

تسلیحات هسته‌ای اسرائیل و پیامدهای آن در خاورمیانه

سید علی نجات*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۱۵

چکیده

۱۴۹

به‌رغم تمهیدات و اقدامات گسترده جامعه جهانی، به‌ویژه قدرت‌های بزرگ برای حفظ انحصار خود در زمینه هسته‌ای و جلوگیری از گسترش و اشاعه آن، گرایش به تولید این سلاح‌ها از سوی کشورهای دیگر همچنان از جذابیت بالایی برخوردار است. این کشش و تمایل به سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه به‌مراتب بیشتر از سایر مناطق جهان است. خاورمیانه به‌دلیل وجود خطر تسلیحات هسته‌ای اسرائیل از مناطقی به‌شمار می‌رود که همواره شاهد منازعه و بحران بوده است. اسرائیل به‌دلیل استفاده از سیاست «ابهام هسته‌ای» تاکنون توانسته است به برنامه تسلیحات هسته‌ای خود ادامه دهد و بیش از ۲۰۰ کلاهک هسته‌ای تولید کند؛ در راستای همین سیاست، اسرائیل از پیوستن به معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای امتناع کرده و همچنان، خارج از نظارت و بازرسی نهادهای معتبر بین‌المللی از جمله آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فعالیت می‌کند. در همین راستا پرسش اصلی این نوشتار این است که تسلیحات هسته‌ای اسرائیل چه پیامدهایی بر امنیت خاورمیانه دارد؟ فرضیه مقاله این است که تسلیحات هسته‌ای اسرائیل و عدم پیوستن آن به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، پتانسیل بحران و منازعه را در منطقه خاورمیانه افزایش داده است. همچنین یافته‌های نوشتار حاضر از این امر حکایت دارد که استمرار برنامه هسته‌ای اسرائیل و تلاش آن برای توسعه تسلیحات هسته‌ای باعث شکل‌گیری سیاست دومینوی هسته‌ای و مسابقه تسلیحاتی در سطح منطقه خواهد شد؛ این امر به ایجاد تنش و ناامنی در خاورمیانه منجر می‌گردد و به مثابه مانعی برای استقرار صلح در منطقه به‌شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: اسرائیل، ابهام هسته‌ای، زرادخانه هسته‌ای، خاورمیانه، امنیت

* دانش‌آموخته مطالعات منطقه‌ای (گرایش خاورمیانه و شمال آفریقا) از دانشگاه علامه طباطبایی

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسرائیل‌شناسی، سال شانزدهم، شماره یکم، زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۶۷ - ۱۴۹.

از سال ۱۹۷۰ به‌طور معمول فرض بر آن بوده که اسرائیل بازیگری است که سلاح هسته‌ای دارد. این رژیم با در اختیار داشتن تسلیحات شیمیایی، بیولوژیکی و زرادخانه هسته‌ای و یک راهبرد تهاجمی برای استفاده عملی از این تسلیحات، انگیزه‌های اصلی را برای توسعه تسلیحات کشتار جمعی در منطقه ایجاد و صلح و ثبات منطقه و جهان را با تهدید جدی مواجه می‌کند. با این حال، برنامه هسته‌ای اسرائیل همچنان غیرشفاف باقی مانده و از سیاست‌های داخلی اسرائیل جدا شده است. اسرائیل ششمین بازیگر در جهان و اولین در خاورمیانه است که سلاح‌های هسته‌ای تولید کرده است. اما رفتار هسته‌ای اسرائیل با پنج قدرت هسته‌ای نخست متفاوت می‌باشد. اسرائیل از دیدگاه امنیتی، در خاورمیانه روش خاصی را اتخاذ کرده است. در واقع این رژیم راهبرد ابهام هسته‌ای را در پیش گرفته تا توان هسته‌ای خویش را پنهان کند. منطق اسرائیل این است که ابهام بهترین راه مهار و کنترل کشورهای منطقه است و این در حالی است که سیاست بازدارنده آن هنوز پابرجاست. راهبرد ابهام هسته‌ای اسرائیل، مبتنی بر عدم تایید یا اقرار صریح و رسمی در مورد دارا بودن زرادخانه اتمی است. هدف این سیاست نیز، ایجاد بازدارندگی موثر است. گفتنی است اسرائیل با استفاده از سیاست «ابهام راهبردی» تاکنون توانسته است به برنامه تسلیحات هسته‌ای خود ادامه دهد و بیش از ۲۰۰ کلاهک هسته‌ای تولید کند و این در حالی است که مجامع بین‌المللی در برابر این رژیم عکس‌العملی نشان نمی‌دهند و همین مساله موجب بروز نوعی احساس ناامنی در میان مردم منطقه شده است. (بولتن، ۱۳۸۳، ۱۵۲) از سوی دیگر، زرادخانه هسته‌ای اسرائیل نیز مانع جدی برای خلع سلاح و عدم اشاعه هسته‌ای محسوب می‌شود و کانون بحران هسته‌ای است. وجود این زرادخانه‌ها در چنین منطقه‌ای بی‌ثبات، به نوبه خود اثرات بسیاری بر آینده توافقات خلع سلاح و کنترل تسلیحات دارد و خطر جنگ هسته‌ای بر این منطقه سایه افکنده است. بنابراین موضوع توانایی هسته‌ای اسرائیل، موضوعی بسیار چالش برانگیزی است که ابعاد مختلفی را در منطقه تحت‌تأثیر خود قرار داده است.

روش مورد استفاده در این نوشتار ترکیبی از سه سطح تاریخی، توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی می‌باشد. در این مقاله، ضمن بررسی زرادخانه‌های هسته‌ای

اسرائیل به انگیزه‌های اصلی آن از دستیابی به این‌گونه تسلیحات پرداخته می‌شود. در ادامه نیز جایگاه اسرائیل در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و پیامدهای آن در ایجاد خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای مورد تحلیل قرار می‌گیرد. سرانجام در راستای یافته‌های حاصل از فرایند پژوهش، نتیجه‌گیری لازم به عمل می‌آید.

یک. تسلیحات هسته‌ای و انگیزه‌های اسرائیل از دستیابی به آن

الف. چگونگی دستیابی اسرائیل به تسلیحات اتمی

۱۵۱

اولین گام اساسی اسرائیل برای ایجاد یک قدرت هسته‌ای در اواخر ۱۹۴۸ که تقریباً هم‌زمان با تاسیس این رژیم بود، می‌رسد. در همین راستا، در سال ۱۹۴۹ تعدادی از اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های رژیم اسرائیل به حاییم وایزمن، نخست‌وزیر وقت این رژیم، پیشنهاد کردند تا تعدادی از دانشجویان صهیونیستی را برای آموزش فن‌آوری هسته‌ای به مراکز علمی و فنی کشورهای اروپایی و آمریکا اعزام کنند. در همان سال اسرائیل شش نفر از تکنیسین هسته‌ای را به کشورهای اروپایی اعزام کرد. در ابتدا تلاش‌های اسرائیل برای رسیدن به جرگه کشورهای هسته‌ای و پیوستن به باشگاه کشورهای هسته‌ای به‌صورت پنهانی بود. در واقع بعد از جنگ ۱۹۵۶ بود که موضوع دستیابی سلاح هسته‌ای اسرائیل به‌صورت علنی مطرح شد. در سال‌های ۱۹۵۸-۱۹۵۵، با بازگشت مجدد بن‌گورین به قدرت و ایجاد رابطه ویژه با فرانسه، منابع کافی برای شروع یک پروژه ملی هسته‌ای آماده شد. اسرائیل با همکاری فرانسه توانست نیروگاه‌های هسته‌ای خود را تاسیس و مواد اولیه آن را تهیه کند. بنابراین بمب هسته‌ای اسرائیل در سپتامبر ۱۹۶۶ آماده شد. (شیت، ۱۹۶۸، ۲) بنابراین، در سال ۱۹۷۰ موقعیت اسرائیل به‌عنوان یک بازیگر دارای سلاح هسته‌ای عرفاً مورد پذیرش قرار گرفت.

ب. زرادخانه هسته‌ای اسرائیل

به‌طور عمده تاسیسات هسته‌ای اسرائیل در چهار مرکز قرار دارد. (الغدیر، ۲۰۰۱، ۱۰۵) از جمله این راکتورها، دیمونا، به‌دنبال آن راکتور رشیون لیزیون، راکتور ناحال سوریک و در آخر

راکتور نبی روبین می‌باشند. در ادامه به‌طور مختصر به آنها اشاره می‌کنیم. البته نیروگاه‌های هسته‌ای دیگری هم در اراضی اشغالی توسط رژیم اسرائیل ساخته شده است که به سبب استتار قوی و وجود آنها در عمق بیش از ۵۰ متری زمین، مانع شناسایی و انتشار اسم‌های آنها توسط مراکز خبری و اطلاع‌رسانی شده است.

یک. راکتور دیمونا

اولین گام‌های اساسی اسرائیل برای تولید سلاح هسته‌ای، تاسیس راکتور دیمونا بود. دیمونا مهم‌ترین مرکز اتمی اسرائیل و به مثابه اولین سنگ بنای فعالیت‌های هسته‌ای آن است که در سال ۱۹۶۷ فعالیت خود را آغاز کرد. در واقع این راکتور مهم‌ترین و موثرترین مراحل در راه تولید سلاح هسته‌ای می‌باشد. راکتور دیمونا در مسیر بیابانی بئرالسبع و سدوم قرار دارد. دلیل انتخاب این مکان به سبب نزدیکی آن به مواد اولیه «اورانیوم» موجود در صحرای نقب می‌باشد. هزینه ساخت این راکتور حدود ۱۳۰ میلیون دلار تخمین زده شده است. انرژی آن نیز به ۲۶ مگاوات می‌رسد و توانایی تولید سالانه هشت کیلوگرم پلوتونیوم را دارا می‌باشد که با اورانیوم ۹۰٪ فعال می‌شود (الکیلانی، ۱۹۹۱، ۱۷۳) این درحالی است که این نیروگاه قابلیت افزایش قدرتی معادل ۷۰ مگاوات حرارتی را هم دارد. در این نیروگاه از آب سنگین استفاده می‌شود؛ این نیروگاه پلوتونیوم، که عنصر اساسی تولید بمب اتم شکاف‌پذیر می‌باشد را تولید می‌کند. (اللواء طلعت، ۱۹۸۵، ۲۲۶) راکتور اتمی دیمونا هم‌اکنون پلوتونیوم ۲۳۹ و اورانیوم غنی شده ۲۳۵ تولید می‌کند که هر دو محصول یاد شده در ساخت بمب اتمی کاربرد دارند. (ذاکری، ۱۳۸۹، ۳۵)

ساخت این راکتور حاصل تلاش کمیسیون انرژی اتمی فرانسه برای هماهنگی بیشتر فرانسه و اسرائیل در زمینه همکاری اتمی بود. طرح فرانسوی - اسرائیلی که پروژه دیمونا را ممکن ساخت، یک فرصت بی‌نظیر تاریخی بود و آن زمانی بود که آن دو، اتحاد نظامی غیرمعمولی را تشکیل دادند. (الدسوقی، ۱۹۹۱، ۱۷) اوضاع در خاورمیانه و شمال آفریقا، نیروهای داخلی در فرانسه و اسرائیل و بحران سوئز، شکل‌گیری این اتحاد غیرمعمول را فراهم آورد. فرانسه بخش اعظم از کمک‌های اولیه هسته‌ای برای ساخت دیمونا، آب سنگین، راکتور اورانیوم طبیعی و

کارخانه بازپروری پلوتونیوم واقع در برشيبا در صحرای نقب را در اختیار رژیم صهیونیستی قرار داد. مقامات اسرائیلی در ابتدا احداث این نیروگاه را مخفی نگه داشتند، اما طولی نکشید که اسرار مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای این رژیم برملا گردید. برخلاف آنچه اسرائیل ادعا می‌کرد، دیمونا «یک کارخانه تولید منگنز یا کارخانه نساجی می‌باشد»، بسیاری از سرویس‌های اطلاعاتی حکایت دیگری از این سایت داشتند. در سال ۱۹۶۷، رژیم صهیونیستی یکی از جنگنده‌های میراژ خود را که به دیمونا بسیار نزدیک شده بود، ساقط ساخت، و در سال ۱۹۷۳ نیز یک هواپیمای مسافربری لیبیایی را که از مسیر خود منحرف شده بود، منفجر ساخت که در نتیجه آن ۱۰۴ نفر کشته شدند. رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اخباری درباره توان نیروگاه دیمونا برای تولید پلوتونیوم که در سلاح‌های هسته‌ای به کار می‌رود را منتشر می‌کنند. گفته شده، در صورت اصابت موشک به این نیروگاه، رژیم صهیونیستی نابود خواهد شد.

دو. راکتور رشیون لیزیون

این راکتور اولین راکتور اتمی اسرائیل است که با سرمایه‌گذاری شرکت‌های ا.ام. ف و اتومکس آمریکایی تأسیس شد. (خطاب، ۱۹۸۷، ۶۹) راکتور مزبور در شهر رشیون لیزیون در کنار جاده‌ای بین این شهر و روستای ناحال یهودا ساخته شد. عملیات ساخت این راکتور در ۲۵ نوامبر ۱۹۵۶ به پایان رسید و در ۱۲ نوامبر سال بعد، به‌طور رسمی افتتاح گردید. مهم‌ترین عناصری که این راکتور تولید می‌کند عبارتند از: زرنیخ، سزیوم، آهن، کبالت، ید، نیکل، فسفر و سدیم. هدف از ساخت این راکتور، انجام پژوهش‌های علمی و تولید اجسام تشعشعی بوده است. انرژی تقریبی این راکتور به هشت میلیون وات حرارتی می‌رسد. اسرائیل همچنین برای توسعه و پیشرفت این راکتور و در راستای رهنامه آیزنهاور «اتم برای صلح»، دانشجویان صهیونیستی را برای آموزش و تحقیق در مراکز مطالعات هسته‌ای وابسته به سازمان انرژی اتمی آمریکا (USAEC) در آزمایشگاه ملی آرگون اعزام کرد. (خطاب، ۱۹۸۷، ۷۰) در گزارشی از پژوهشکده مطالعات استراتژیک لندن آمده است که این راکتور سالیانه توانایی تولید یک بمب اتم را دارا می‌باشد. (پیتر برای، ۱۹۸۹، ۹۷)

سه. راکتور ناحال سوریک

پس از موفقیت در بهره‌برداری از راکتور رشیون لیزیون، و بازگشت تعدادی از دانشجویان که برای تحقیق در علوم هسته‌ای به خارج اعزام شده بودند، اسرائیلی‌ها به فکر افتادند که راکتور هسته‌ای دیگری را برای تولید اجسام تشعشعی از نوع همان راکتور بسازند. در واقع اسرائیل با آمریکا توافق‌نامه‌ای در چارچوب برنامه موسوم به «اتم برای صلح» دولت آیزنهاور، به امضا رساند؛ موافقت‌نامه‌ای که در زمینه استفاده غیرنظامی از انرژی اتمی بود. بر اساس این توافق‌نامه، آمریکا در راه‌اندازی یک راکتور تحقیقاتی در ناحال سوریک، واقع در جنوب تل‌آویو، به اسرائیل کمک کرد. در نتیجه به‌منظور ساخت راکتور جدید با طرح‌های جدید، با تعدادی از متخصصین شرکت آمریکایی «اینترنشنال اتومکس» وارد معامله شدند. سرانجام در سال ۱۹۵۵، ایالات متحده آمریکا با ساخت راکتور هسته‌ای با قدرت حرارتی پنج مگاوات و از نوعی مصرف آب سبک در اسرائیل موافقت کرد. (الجرسراوی، ۱۹۸۶، ۳۱) عملیات ساخت این راکتور در ۱۷ سپتامبر ۱۹۵۸، در شهر ناحال سوریک واقع در نزدیکی ساحل دریای مدیترانه در جنوب تل‌آویو آغاز شد و در ۲۲ دسامبر ۱۹۵۸ پایان یافت.

هدف از ساخت این راکتور، تولید اجسام تشعشعی، برای کاربردهای عمومی است. علاوه بر این، در این راکتور به آموزش مهندسان هسته‌ای و پزشکان برای به‌کارگیری اجسام تشعشعی پرداخته می‌شود. این مرکز، از نظر بین‌المللی به‌عنوان مرکز تحقیق و توسعه سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل شناخته می‌شود و دارای آزمایشگاه طراحی و تحقیقاتی سلاح‌های هسته‌ای و به احتمال زیاد تجهیزات شکافنده در محل است. از آنجا که این راکتور در نزدیکی نواحی مسکونی قرار دارد، در هرگونه حادثه‌ای از قبیل حمله نظامی یا نقص در فرایند راکتور، ضریب خسارت ناشی از آن بسیار زیاد خواهد بود. در مورد راکتور ناحال سوریک اظهار نظرات متعددی شده است که هدف ساخت آن، اهداف راهبردی به‌خصوص قبل از جنگ سوئز ۱۹۵۶ یا برای مقاصد صلح‌آمیز تاسیس شده است. برخی از کارشناسان گفته‌اند که راکتور هسته‌ای ناحال سوریک، قادر به تولید سلاح هسته است؛ زیرا این پایگاه از اورانیوم ۲۳۸ پلوتونیوم تولید می‌کند که ماده‌ای غیر قابل تجزیه است. در این زمینه «پیتر برای» از میزان تولید سلاح اتمی این راکتور سخن به‌میان

آورده است. شایان ذکر است، نیروگاه هسته‌ای ناحال اهمیت زیادی در پیشرفت پژوهش‌های هسته‌ای و کسب تجارب در این خصوص برای اسرائیل داشته و این نیروگاه اولین مؤسسه زیربنایی طرح هسته‌ای این رژیم به‌شمار می‌رود.

چهار. راکتور نبی روبین

در ۱۷ ژانویه ۱۹۶۶، اسرائیل با شورای پژوهش‌های علمی این رژیم به همکاری پرداخت تا طرح‌هایی را برای ساخت یک راکتور جدید تهیه نماید. پس از آن، راکتور مزبور در منطقه نبی روبین با همکاری شرکت اینترنشنال - اتومکس ساخته شد. قدرت این راکتور ۲۰۰ مگاوات است. هزینه ساخت و راه‌اندازی آن بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار می‌شود. از این راکتور می‌توان در زمینه ساخت سلاح هسته‌ای، شیرین‌سازی آب دریا و تولید نیروی برق، استفاده کرد. راکتور نبی روبین پس از راکتور دیمونا، از مهم‌ترین راکتورهای این رژیم به‌حساب می‌آید. علاوه بر راکتورهای فوق، اسرائیل دارای راکتورها و نیروگاه‌های مختلف دیگری نیز می‌باشد.

کار اصلی این راکتورها تولید سلاح هسته‌ای می‌باشد. شواهد و مدارک کافی برای اثبات این امر موجود می‌باشد. معاون وزیر خارجه سابق آمریکا در ۲۱ ژوئیه ۱۹۷۵ گفت: «اسرائیل ۱۰ کلاهک هسته‌ای از نوع بمبی که هیروشیما و ناکازاکی را مورد هدف قرار داد، در اختیار دارد.» (الحمیدی، ۱۳۸۱، ۶۸)

اما یکی از مهم‌ترین افشاگری‌هایی که در این زمینه صورت گرفته، مربوط به شواهد و عکس‌هایی است که توسط «مردخای وانونو» مهندس مرکز هسته‌ای دیمونا که برای ۱۹ سال در این مرکز فعالیت داشت، گرفته شد. وی در گفت‌وگوی افشاگرانه خود در مجله *ساندی تایمز* لندن در اکتبر ۱۹۸۶، از توانایی هسته‌ای رژیم صهیونیستی پرده برداشت. بر اساس اطلاعات وی، اسرائیل حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ بمب هسته‌ای در اختیار دارد. وی در اکتبر ۱۹۸۶ در ایتالیا توسط سرویس مخفی اسرائیل ربوده و به ۱۸ سال حبس محکوم شد، (Cattovi, 2005) بدین ترتیب اسرائیل از پشتیبانی فرانسه، آمریکا و سایر کشورها برای توسعه زرادخانه هسته‌ای برخوردار گردید. از جمله همکاری مشترک اسرائیل با کشورهای دیگر می‌توان به کشورهای آفریقای

جنوبی، تایوان، هند، چین و پاکستان اشاره کرد. (البشیر، ۲۰۰۹، ۱۴۷) از لحاظ میزان هزینه سرانه تسلیحات هسته‌ای، اسرائیل رتبه ۱۲ را در سطح جهان دارد. در همین راستا در ۲۰۰۷، ۱۸ درصد از میزان بودجه عمومی را صرف تجهیزات نظامی از جمله تسلیحات هسته‌ای کرده است. (الایوبی، ۲۰۰۵، ۳۷۱) اسرائیل به جز آنکه بالاترین بودجه نظامی خاورمیانه را (بعد از عربستان) دارد، از هزینه نظامی بالایی نیز برخوردار است. بر این اساس آشکار است که اهداف اسرائیل از صرف هزینه‌های هنگفت، در راستای تاسیس یک زرادخانه هسته‌ای بزرگ در خاورمیانه است. لازم به ذکر است که تخصیص این میزان از بودجه باعث ایجاد نارضایتی در بین شهروندان شده است. در همین راستا پیشنهادهاتی از داخل اسرائیل برای کاهش دادن هزینه تسلیحات هسته‌ای سقف پنج درصد از سهم بودجه عمومی بوده است.

دو. سامانه‌های پرتاب سلاح‌های هسته‌ای در اسرائیل

اسرائیل دارای ساختار دفاعی توسعه‌یافته و تجهیزات نظامی بسیار پیشرفته‌ای بوده و اصولاً نظامی‌گری در تمام ابعاد جامعه آن جاری است، لذا بر این اساس اسرائیل بسیاری از اهداف و مقاصد خود را با بهره‌گیری از ابزار نظامی و یا تهدید به استفاده از آنها دنبال می‌کند. در حال حاضر اسرائیل تنها رژیم در منطقه خاورمیانه است که علاوه بر در اختیار داشتن زرادخانه عظیم و تسلیحات هسته‌ای، مجهز به سامانه انتقال این گونه تسلیحات نیز می‌باشد. توانایی نشر و استفاده از سامانه‌های پرتابی سلاح‌های هسته‌ای در اسرائیل از سه روش امکان‌پذیر می‌باشد که عبارتند از:

الف. سیستم موشکی

اسرائیل با داشتن انواع موشک‌ها با توان تخریبی بالا و برد متفاوت، بزرگ‌ترین زرادخانه موشکی خاورمیانه را در اختیار دارد. اسرائیل دارای یک سیستم موشکی پیشرفته است که قادر به حمل کلاهک‌های هسته‌ای می‌باشند. از جمله موشک اریحا ۹ که دارای برد ۶۰۰ کیلومتر و توانایی حمل ۱۰۰۰ کیلوگرم است. علاوه بر آن، دارای موشک اریحا ۲ با برد ۱۴۵۰ کیلومتر می‌باشد که با توسعه و ارتقای آن در اوایل دهه ۹۰ برد آن به ۲۲۰۰ کیلومتر رسید.

علاوه بر موشک‌های بالستیک اریحا، از تولیدات دیگر اسرائیل موشک‌های بالستیک ام. دی - ۶۶ و ام. دی - ۶۲۰ (اصالتا فرانسوی)، موشک‌های قاره‌پیمای شافیت با ۴۵۰۰ کیلومتر (دارای توانمندی حمل کلاهک‌های متعارف و غیرمتعارف با وزن هزار کیلوگرم) می‌باشد. (ذاکری، ۱۳۸۹، ۲۶) اسرائیل همچنین برای نوسازی و ارتقای موشک بالستیکی اریحا ۳ فعالیت گسترده‌ای انجام داده است. رژیم اشغالگر اسرائیل تعداد زیادی از این موشک‌ها را در پایگاه‌های «تل نوف» در شمال غربی و «زکریا» در جنوب شرقی تل‌آویو ذخیره کرده است.

ب. هواپیماهای جنگی

ناوگان هوایی اسرائیل به بیش از ۴۰۰ هواپیما می‌رسد که از جمله مهم‌ترین آنها اف - ۱۵ و اف - ۱۶ می‌باشند که قادر به حمل کلاهک هسته‌ای با برد بیش از ۵۰۰۰ کیلومتر هستند. از میان انواع هواپیماهای جنگی ساخت اسرائیل می‌توان به جنگنده کند (برگرفته از فن‌آوری میراژهای فرانسوی) و جنگنده‌های لاوی (برگرفته از فن‌آوری اف - ۱۶ آمریکایی) اشاره نمود که تولید آن به‌خاطر هزینه‌های بالای اقتصادی متوقف شده است. اما صنایع هوایی اسرائیل مبادرت به نوسازی و توسعه جنگنده‌های آمریکایی اسکای هاک و انواع مختلف فانتوم به‌خصوص فانتوم - ۲۰۰۰ نموده است. اسرائیل همچنین با ایجاد تغییراتی در اف - ۱۶ مبادرت به تولید نوعی از آن کرده است. (ذاکری، ۱۳۸۹، ۲۶)

ج. زیردریایی‌ها

یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های دریایی اسرائیل، حیفا می‌باشد. این پایگاه دارای انباری از موشک‌های کروز است. بنابراین اسرائیل دارای پایگاه دریایی همانند پایگاه هوایی و زمینی هسته‌ای است. بیشتر زیردریایی‌های دلفین در این بندر مستقر هستند. اسرائیل دارای شش فروند زیردریایی (دولفین) است که تاکنون پنج فروند از آنها را از آلمان تحویل گرفته است. این زیردریایی‌ها توانایی حمل کلاهک‌های هسته‌ای را نیز دارند، این زیردریایی‌ها مجهز به موشک‌های کروز آمریکایی که قادر به حمل کلاهک هسته‌ای و با برد ۱۵۰۰-۹۰۰ کیلومتر

می‌باشند. سه زیردریایی مدل دلفین که بین سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ به اسرائیل تحویل داده شد، در دریای مدیترانه، دریای سرخ و در حوزه‌های ساحلی اسرائیل حضور دارند. اسرائیل در هفتم جولای ۲۰۰۶ نیز سفارش‌های چهارم و پنجم خود را با دو زیردریایی پیشرفته دیگر جایگزین کرد. اسرائیل چهارمین زیردریایی را در سال ۲۰۱۳ و پنجمین آنها را در سال‌های ۲۰۱۴ تحویل گرفته است. قرار است که ششمین زیردریایی نیز در سال ۲۰۱۶ به رژیم اسرائیل تحویل داده شود. زیردریایی دلفین، یک زیردریایی تهاجمی متعارف و یکی از پیشرفته‌ترین زیردریایی‌های جهان محسوب می‌شود.

سه. انگیزه‌های اسرائیل از دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای

بدون تردید، دستیابی یک دولت به سلاح‌های هسته‌ای به این معناست که انگیزه و اهداف خاصی از این تسلیحات دارد، بنابراین بلندپروازی و انگیزه‌های مشوق‌کننده اسرائیل برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای ناشی از فاکتورهای زیر می‌باشد.

الف. انگیزه‌های امنیتی

مهم‌ترین عامل در راه دستیابی اسرائیل به توانایی‌های تولید سلاح‌های هسته‌ای، احساس عدم امنیت می‌باشد. اسرائیل به دلیل شکل‌گیری نامشروع، همواره از جانب کشورهای منطقه احساس خطر نموده است. از طرف دیگر، به دلیل عدم اطمینان و اعتماد به متحدین خود، در یک نگرانی دائم به سر می‌برد. در واقع این انگیزه به احساس ترس و هراس اسرائیل و آینده‌نگری بودن آن مربوط می‌شود، به خصوص اینکه اسرائیل مانند جزیره کوچک می‌باشد که به وسیله دشمنان محاصره شده است. در همین راستا، اسرائیل بقای خود را مرهون دستیابی به تمامی تسلیحاتی می‌داند که قدرت تخریبی بالایی دارند و از بارزترین آنها سلاح هسته‌ای است. (Rodman, 2001, 5) دشواری پیش‌بینی دشمنان آینده و اعتماد نداشتن به دوستان امروزی، این شکل نیاز به کسب توانایی نظامی کشورها را افزایش می‌دهد. اوی دیچتر، وزیر امنیت داخلی اسرائیل، گفته است: «پس از جنگ جهانی دوم هیچ کشوری به اندازه اسرائیل نگران امنیت ملی خود نبوده و دلیل آن هم بسیار روشن

است؛ اسرائیل پس از اعلام موجودیت خود شش جنگ بزرگ را با همسایگانش تجربه کرده است: جنگ‌هایی مثل ۹-۱۹۴۸؛ جنگ سینا (سوئز) ۱۹۵۶؛ جنگ شش روزه ۱۹۶۷؛ جنگ‌های فرسایشی ۷۰-۱۹۶۹؛ جنگ رمضان (یوم کیپور) ۱۹۷۲؛ و جنگ لبنان ۱۹۸۲؛ یعنی به‌طور متوسط در هر دهه از حیات خود درگیر یک جنگ تمام‌عیار بوده است. «به علاوه در جنگ اول خلیج فارس در ۱۹۹۱ نیز مورد حملات موشکی عراق قرار گرفت و در تابستان ۲۰۰۶ در جنگ با حزب‌الله لبنان اسطوره شکست‌ناپذیری آن زیر سوال رفت. بنابراین یکی از اهداف اساسی اسرائیل برای دست‌یابی به تسلیحات هسته‌ای، ناشی از بی‌اعتمادی و بدبینی به کشورهای منطقه می‌باشد و تضمین موجودیت رژیم خود را مرهون تسلیحات هسته‌ای می‌داند. در واقع اسرائیل با توجه به تهدیداتی که از ناحیه کشورهای عربی و اسلامی منطقه احساس می‌کند، مدتهاست که راهبرد حفظ برتری نظامی در منطقه را برای ایجاد بازدارندگی دنبال می‌کند تا از این راه سایر کشورهای دیگر را از فکر حمله به خود چه از طریق انفرادی و چه به شکل ائتلافی باز دارد.

ب. انگیزه‌های نظامی

اگرچه مساله دست‌یابی به سلاح‌های هسته‌ای، به‌دلیل احساس عدم وجود امنیت یک کشور در جلوگیری از حمله دشمن احتمالی تاکید دارد، ولی در عین حال باید به توانایی‌های جنگی این نوع تسلیحات نیز توجه کرد. انگیزه نظامی در اسرائیل موجب ایجاد تمایل به برتری در مقابل محدودیت داده‌های جمعیتی و جغرافیایی شده است. در واقع این انگیزه یکی از عوامل اصلی دست‌یابی به سلاح‌های هسته‌ای به‌عنوان عامل بازدارنده است که اسرائیل را قادر می‌سازد ضعف‌های خود را در زمینه منابع طبیعی و تعداد نفرات نظامی جبران کند. مقام‌های اسرائیل بر این عقیده بوده و هستند که در شرایط حاکم بر خاورمیانه تنها راه بقای آن، برتری مطلق تسلیحاتی، به‌ویژه در حوزه تسلیحات هسته‌ای است. اهمیت تسلیحات هسته‌ای و برتری مطلق در این زمینه برای اسرائیل به قدری زیاد است که مقامات این رژیم در این باره به‌صورت کاملاً عریانی بحث می‌کنند. مرش آرنز در این مورد می‌گوید: «در خاورمیانه آنچه که آینده قدرت‌های حاکم در این منطقه را تعیین می‌کند، زور و اسلحه است که در این میان رای و دیدگاه مردم

هیچ اهمیتی ندارد.» (بولتن، ۱۳۸۳، ۱۵۲) به‌طور کلی مفهوم امنیت اسرائیل به‌طور اساسی مرهون راهبرد نظامی می‌باشد که بر قدرت هسته‌ای استوار است.

ج. انگیزه‌های استراتژیکی

امنیت ملی اسرائیل تحت‌تاثیر منفی عامل ژئوپلیتیکی قرار گرفته است. فقدان عمق راهبردی موثر برای اسرائیل به‌عنوان یک آسیب‌پذیری استراتژیکی مطرح است. نوار ساحلی باریک اسرائیل از نظر سیاست دفاعی، دارای هیچ‌گونه عمق ژئوپلیتیکی نیست. ۸۰ درصد ساختارهای زیربنایی اقتصادی اسرائیل در سه شهر بیت‌المقدس، حیفا و تل‌آویو قرار دارد. این امر برای اسرائیل، به یک آسیب‌پذیری استراتژیک تبدیل شده است. اشغال اراضی کشورهای عربی توسط اسرائیل نیز، نتوانست آسیب‌پذیری استراتژیک اسرائیل را جبران کند. شهرها و تاسیسات حیاتی اسرائیل در زمان‌های مختلف مورد اصابت موشک‌هایی از جمله موشک اسکاد و ال-۳۹ عراق و همچنین موشک‌های حزب‌الله، قرار گرفته‌اند. (خالد، ۲۰۰۷، ۳۱) در همین راستا فقدان عمق راهبردی توجیه مناسبی برای سیاست‌گذاران اسرائیل برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای فراهم نموده است. رهنامه هسته‌ای اسرائیل بر این اصل استوار است که هرگونه حمله گسترده به اسرائیل، با عکس‌العمل هسته‌ای شدید اسرائیل مواجه خواهد شد. ارتش اسرائیل از درگیری در جنگ‌های طولانی‌مدت و فرسایشی هراس دارد. البته با توجه به شرایط این بازیگر از جمله بافت جغرافیایی، جمعیتی، عمق کم استراتژیک، ساختار نیروهای دریایی - زمینی و هوایی می‌توان به این موضوع پی برد. ارتش اسرائیل ثابت کرده است که حداکثر برای ۱۴ روز توان جنگیدن مداوم را دارد و طولانی شدن جنگ، به زیان این رژیم تمام خواهد شد. بنابراین اولویت اصلی برای اسرائیل در هر جنگی، به پایان رساندن آن در کوتاه‌ترین مدت ممکن و با نتیجه‌ای قاطع است، لذا سلاح اتمی اهمیت ویژه‌ای برای آنها دارد.

د. انگیزه‌های سیاسی

انگیزه مهم دیگر اسرائیل برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای عبارت از پیامدهای آن

بر موقعیت و پرستیژ ملی است. اسرائیل برای دستیابی به اهداف بلندپروازانه خود و حفظ برتری نظامی بر سایر کشورهای منطقه، تقویت توان نظامی را سرلوحه سیاست‌هایش قرار داده و در این زمینه از حمایت‌های بی‌دریغ کشورهای غربی و آمریکا بهره برده است. انگیزه سیاسی اسرائیل برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای، همچنین از ارتباط مستمر و پیوستگی رژیم اشغالگر برای دستیابی به چنین تسلیحاتی و نیز تمایل به کسب برتری و رهبری در منطقه خاورمیانه و تحمیل سیاست‌های خود به کشورهای عربی ناشی می‌شود. در واقع، اسرائیل برای نمایش قدرت و پرستیژ و کسب جایگاه بهتر در منطقه و جهان دستیابی به تسلیحات غیرمتعارف هسته‌ای را ضروری می‌داند.

چهار. چشم‌انداز خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای

الف. اسرائیل و معاهده عدم انتشار تسلیحات هسته‌ای

یک منطقه عاری از تسلیحات هسته‌ای یک ترتیب منطقه‌ای است که توسعه، تولید، ذخیره‌سازی، فراگیری، مالکیت و همچنین همکاری در زمینه تحقیق برای توسعه، ذخیره‌سازی، مالکیت هر وسیله انفجار هسته‌ای را در درون یک منطقه توسط هر پیمانی ممنوع می‌سازد. هدف از ایجاد منطقه عاری از تسلیحات هسته‌ای سوق دادن جهان به سمت یک دنیای امن و یک دنیای عاری از تسلیحات هسته‌ای است. مناطق عاری از تسلیحات هسته‌ای باعث ایجاد امنیت بیشتر و فراهم نمودن زمینه برای افزایش همکاری میان دولت‌هاست. تاکنون در چند نقطه از جهان، مناطق عاری از تسلیحات هسته‌ای ایجاد گردیده است که اولین ابتکار موفقیت‌آمیز در این خصوص در آمریکای لاتین بروز نمود.

نزدیک به سه دهه است بحث خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای و امحاء تسلیحات کشتار جمعی به شکل جدی از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد و کشورهای مختلف جهان و منطقه پی‌گیری می‌شود، ولی به دلایلی از جمله عدم الحاق اسرائیل به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، تحقق خواست کشورهای منطقه با مشکلات اساسی مواجه شده است.

(مسعودی‌زاده، ۱۳۹۱، ۹۵)

در سال ۱۹۷۴، ایران مساله ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه را ارایه کرد که از پشتیبانی مصر نیز برخوردار گردید. بر اساس طرح مزبور، مجمع عمومی ملل متحد از سال ۱۹۸۰ به‌طور منظم قطعنامه‌هایی به تصویب رسانده که در آنها خواستار ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه شده و بر اهمیت آن تأکید کرده است. در سال ۱۹۹۰، مصر این طرح را گسترش داد تا شامل کلیه انواع سلاح‌های کشتار جمعی یعنی شیمیایی، بیولوژیکی، هسته‌ای و نیز وسایل پرتاب آنها شود. (Baumgart & Muller, 2004, 545)

از سال ۱۹۶۸، سالی که معاهده NPT به اجرا درآمد، ۱۸۹ کشور از این اقدام مثبت استقبال کردند و قصد خود را مبنی بر شرکت در آن اعلام نمودند؛ اما اسرائیل با پشتیبانی آمریکا از قبول آن سر باز زد. در سال ۱۹۶۹ دولت آمریکا پذیرفت که رژیم اسرائیل را جهت پیوستن به معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای تحت فشار نگذارد مشروط بر اینکه این رژیم نیز برنامه‌های اتمی خود را کاملاً مخفیانه دنبال کند. هر دو طرف به تعهدات خود وفادار ماندند، اسرائیلی‌ها تحت حمایت واشنگتن از پذیرش معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی سر باز زده و با خیال آسوده برنامه‌های هسته‌ای خود را به پیش بردند، به‌طوری که موفق شدند به یکی از قدرت‌های عمده اتمی جهان امروز تبدیل شوند. آمریکا نیز در سازمان‌های بین‌المللی همواره از اسرائیل حمایت کرده است؛ برای نمونه در ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۶ کشورهای اسلامی با صدور قطعنامه‌ای در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در خصوص محکومیت برنامه اتمی اسرائیل و پیوستن آن به معاهده NPT با ۸۹ رای به توافق رسیدند، اما آمریکا و اسرائیل نسبت به این قطعنامه رای مخالف دادند. (جعفری، ۱۳۸۹، ۱۲) تاکنون قطعنامه‌های مختلفی در رابطه با محکومیت اسرائیل در شورای امنیت سازمان ملل متحد و سایر نهادهای زیرمجموعه این سازمان صادر گردیده است اما به دلیل وتوی آمریکا، این قطعنامه‌ها هرگز به اجرا درنیامده‌اند. حمایت مستمر آمریکا از عدم امضای پیمان NPT توسط اسرائیل باعث ایجاد بحران در منطقه خاورمیانه می‌شود؛ این امر ضرورت فشار بر روی اسرائیل برای پیوستن به معاهده ان. پی. تی. را نمایان می‌سازد. اسرائیل پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و توافق‌نامه‌های مترتب بر آن را نپذیرفته و این امر باعث شده است تا این رژیم متعهد به اعلام تمام تاسیسات هسته‌ای و فعالیت‌های خود در این حوزه

نباشد، که به تبع آن موجب می‌شود تمام تاسیسات اسراییل مورد بازرسی قرار نگیرد. در حال حاضر همه کشورهای خاورمیانه به جز اسراییل عضو ان.پی.تی. هستند. همین مساله موجب بروز نوعی احساس ناامنی و تنش در خاورمیانه شده است.

ب. سلاح‌های هسته‌ای اسراییل و موانع خلع سلاح هسته‌ای در خاورمیانه

از نظر نواقع‌گرایان از جمله کنت والتز، سلاح‌های کشتار جمعی مناسب‌ترین و کارآمدترین سلاحی است که به دلیل قابلیت بازدارندگی آن موجب جلوگیری از منازعه و جنگ احتمالی می‌شود. اما باید گفت که هرچند الزامات مجموعه امنیتی خاورمیانه داشتن سلاح‌های کشتار جمعی را طبیعی و موجه می‌کند، اما با توجه به ماهیت و بافت منطقه خاورمیانه نمی‌تواند ایجادکننده و ارتقاءدهنده امنیت منطقه‌ای باشد و برعکس منجر به ناامنی هرچه بیشتر در منطقه خاورمیانه شده است. گسترش این سلاح‌ها در منطقه خاورمیانه به دلیل همراه شدن با مسائل امنیتی بنیادی در خاورمیانه و مواجهه با ساختارها و نهادهای تکامل نیافته در این منطقه، بر میزان ترس و بی‌اعتمادی می‌افزاید و در نهایت موجب ناامن‌تر شدن منطقه خاورمیانه می‌گردد. در این میان، از جمله مهم‌ترین موانع محوری بر سر راه عاری شدن منطقه خاورمیانه از سلاح هسته‌ای می‌باشد، نبود هم‌گرایی به‌ویژه در بعد سیاسی بین کشورهای منطقه خاورمیانه است. این امر، خاورمیانه را به یکی از پرمناقشه‌ترین و در عین حال بحرانی‌ترین مناطق جهان تبدیل کرده است. سنگ بنای ایجاد یک منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه تعهد و اراده سیاسی کشورهای منطقه است، که در حال حاضر به هیچ‌وجه دیده نمی‌شود. کشورهای منطقه باید تعهد خطیر و اخلاقی را در نظام امنیت منطقه‌ای خاورمیانه پذیرا باشند و برای نیل به تعهداتی از لحاظ حقوقی الزام‌آور، تلاش کنند که مذاکرات صلح خاورمیانه تا نیل به موافقت‌نامه‌های صلح دنبال شود.

دومین گام ضروری در جهت ایجاد یک منطقه عاری از سلاح هسته‌ای، از میان بردن سلاح‌های موجود در آن منطقه می‌باشد. در این میان از مهم‌ترین و اساسی‌ترین موانع در ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای، تسلیحات هسته‌ای اسراییل است. در صورتی که کشورهای

دارنده تسلیحات هسته‌ای از خلع سلاح جامع هسته‌ای همچنان طفره روند و بدتر اینکه بر مدرنیزه کردن و کاربرد این سلاح‌ها به منظور تهدید کشورهای دیگر اصرار ورزند، امید چندانی به تحقق منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه نمی‌توان داشت. همچنین در حالی که سلاح‌های هسته‌ای اسرائیلی در منطقه وجود دارد و اسرائیل از پیوستن به ان.پی.تی. یا متعهد ساختن خویش به خلع سلاح هسته‌ای امتناع می‌ورزد، تصور پیشرفت در مذاکرات ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای بسیار دشوار خواهد بود. اسرائیل عضو پیمان ان.پی.تی. نیست و بنا به گزارشات موجود حدود ۲۰۰ سلاح هسته‌ای در اختیار دارد، اسرائیل به منظور اینکه سرزنشی متوجه سیاست‌های هسته‌ای آن نشود، سیاست ابهام را در خصوص زرادخانه هسته‌ای خود که آن را مخفیانه و با هم‌دستی غرب به دست آورده، در پیش گرفته است. (Hersh, 1991) راهبرد ابهام هسته‌ای اسرائیل سیاستی عوام‌فریبانه است؛ زیرا جامعه بین‌المللی از زرادخانه هسته‌ای آن رژیم و توانایی آن برای پرتاب سلاح‌های هسته‌ای به‌خوبی آگاه می‌باشد. به این ترتیب، در شرایط کنونی، سیاست هسته‌ای اسرائیل نه تنها مانعی عمده بر سر راه ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در منطقه است، بلکه به‌طور بالقوه می‌تواند جنگ جدیدی را در منطقه به راه اندازد. به‌علاوه، به‌منظور ایجاد جو اعتماد بین دولت‌های منطقه و ترویج صلح در خاورمیانه، شفاف‌سازی، امری ضروری است و باید جایگزین راهبرد ابهام هسته‌ای شود. در حال حاضر اسرائیل با عدم پیوستن به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای از این سیاست استفاده می‌کند. بنابراین، تا زمانی که اسرائیل خواهان هسته‌ای شدن است و از پیوستن به پیمان ان.پی.تی. طفره رود، ایجاد یک منطقه عاری از تسلیحات هسته‌ای در خاورمیانه بعید به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

بدون تردید دستیابی اسرائیل به تسلیحات هسته‌ای عامل تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری رهنامه امنیتی و نظامی آن به‌شمار می‌رود. اسرائیل تضمین موجودیت خود و دستیابی به برتری نظامی و راهبردی در منطقه و مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی را با سلاح هسته‌ای گره زده است. این رژیم با استفاده از سیاست «ابهام هسته‌ای» تاکنون توانسته است به برنامه

تسلیحات هسته‌ای خود ادامه دهد و بیش از ۲۰۰ کلاهک هسته‌ای تولید کند. اسرائیل با در اختیار داشتن سلاح‌های هسته‌ای و همچنین ابزار انتقال آنها به یکی از مهم‌ترین منابع تهدید علیه منطقه خاورمیانه تبدیل شده است. همه کشورهای خاورمیانه به جز رژیم اشغالگر اسرائیل عضو ان.پی.تی. هستند. همین مساله موجب بروز نوعی احساس ناامنی و تنش در خاورمیانه شده است. وجود زرادخانه‌های عظیم در چنین منطقه بی‌ثباتی، به نوبه خود اثرات بسیاری بر آینده توافقات خلع سلاح و کنترل تسلیحات دارد و خطر جنگ هسته‌ای بر این منطقه سایه افکننده است. در حال حاضر تسلیحات هسته‌ای اسرائیل مانع عمده‌ای برای خلع سلاح و عدم اشاعه هسته‌ای محسوب می‌شود. در همین راستا برای ایجاد منطقه عاری از تسلیحات هسته‌ای در خاورمیانه، باید اسرائیل را به طریقی درگیر کرد تا به روند خلع سلاح هسته‌ای در خاورمیانه بپیوندد. در حقیقت موفقیت طرح خلع سلاح هسته‌ای و ایجاد خاورمیانه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای منوط به هم‌گرایی همه‌جانبه و فراگیر در سرتاسر خاورمیانه و موافقت همه کشورهای منطقه از جمله اسرائیل است.

در این میان، اتخاذ موضعی هماهنگ با جهان اسلام، تحسین روابط با کشورهای اسلامی و حمایت از سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله سازمان عدم تعهد، به‌منظور الحاق اسرائیل به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ضروری می‌باشد. علاوه بر آن، بهبود روابط دیپلماتیکی با کشورهای اسلامی به تنهایی کافی نمی‌باشد و در کنار آن باید به بعد نظامی و توسعه صنایع تسلیحاتی توجه کافی شود. همان‌گونه که برای همه آشکار است، اسرائیل از نظر قدرت نظامی و تسلیحاتی از بازیگران برتر منطقه می‌باشد و برای مقابله با هرگونه اقدام غیرقابل پیش‌بینانه‌ای، از لحاظ تسلیحاتی و نظامی باید آمادگی لازم و کافی را داشت.

منابع و یادداشت‌ها:

۱. الایوبی، عمر و حسن حسن (مترجمین) (۲۰۰۵)، *الكتاب السنوی للتسلح ونزع السلاح والامن الدولي*، معهد ستوكهولم لاجتاهات السلام الدولي، بیروت: مرکز الدراسات الوحده العربيه.
۲. البشير، صبيح عذاب (۲۰۰۹)، *العلاقات الباكستانيه - الاسراييليه (۲۰۰۸-۲۰۰۵)*، بغداد: مجله مركز الدراسات الفلسطينيه، عدد ۲۹.
۳. الجسراوى، ناجح (۱۹۸۶)، *سلسله اسراييل والطاقت النذريه*، دراسات صادر الاقتصادى.
۴. الحميدى، حميدى قنص (۱۳۸۱)، *جاينگاه تسليحات هسته‌ای در تفکر استراتژیک اسراييل*، ترجمه اسماعيل اقبال، تهران: دانشگاه امام حسين (ع).
۵. الدسوقي، مراد (۱۹۹۱)، «الشرق الاوسط منطقه خاليه من اسلحه التدمير الشامل»، *دراسات استراتيجيه*، مركز الدراسات السياسيه والاستراتيجيه الاهرام، القايره.
۶. الغدير، محمد محمود (۲۰۰۱)، *الخيار النووى الاسراييلى بين فكره الصراع المتوارث ومستقبل السلام، اعمال الندوه الفكرية*، مركز دراسات المستقبل، جامعه اسويط، الطبعه الاولى، بيروت.
۷. الكيلاني، هيثم (۱۹۹۱)، *الاستراتيجيات العسكريه للحروب العربيه - الاسراييليه ۱۹۸۸-۱۹۶۸*، مركز الدراسات الوحده العربيه.
۸. اللواء طلعت، محمد مسلم (۱۹۸۵)، «السياسه النوويه الاسراييليه»، *السياسه الدوليه*، عدد ۸۰.
۹. بولتن ويژه (مرداد ۱۳۸۳)، *تحولات سياسى وامنيتى اسراييل*، تهران: موسسه فرهنگى مطالعات و تحقيقات بين المللى ابرار معاصر.
۱۰. جعفرى، على اكبر (۱۳۸۹)، «همكارى هسته‌ای - تسليحاتى و اتحاد استراتژيك ميان آمريكا - اسراييل»، *فصلنامه مطالعات جهان اسلام*، سال اول، شماره اول.
۱۱. خالد، وليد محمود (۲۰۰۷)، *آفاق الامن الاسراييلى، الواقع والمستقبل*، بيروت: الطبعه الاولى، مركز الزيتونه للدراسات والاستشارات.
۱۲. خطاب، محمود (۱۹۸۷)، *خط العدو الصهيونى والسلاح النذرى*، عدد ۹.
۱۳. ذاكرى، قاسم (۱۳۸۹)، «نقش صنايع نظامى در اقتصاد و توسعه فن‌آورى رژيم صهيونيستى اسراييل»، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمريكاشناسى - اسراييل‌شناسى*، سال دوازدهم، شماره اول.
۱۴. محمود شيت، خطاب (۱۹۶۸)، *العسكريه الاسراييليه، دار الطليعه للطباعه والنشر*، بيروت: الطبعه الاولى.

۱۵. مسعودی‌زاده، مسعود (۱۳۹۱)، «سمفونی هسته‌ای اسرائیل و نهاد ناآرام خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای:

آمریکاشناسی - اسرائیل‌شناسی، شماره ۴۶.

16. Cattovi, Silvia (2005), "Mordechai Vanunu: Having the Atomic Bomb is; What has Allowed Israel to Fearlessly Carry out its Apartheid Policy," October 19, <http://www.voltairenet.org/article>.

17. David Rodman (2001), "Israel National Security Doctrine An Introductory Overview," *Meria Journal*, vol. 5.

18. Hersh, Seymour [The Samson Option (Random House, (1991)], details the Israel's nuclear weapons and how.

19. Baumgart, Claudia and Muller, Harald (2004-5), "A Nuclear Weapons-Free Zone in the Middle East: a Pie in the Sky?" *The Washington Quarterly*.